

ستاره صداقت

هفدهم ربیع‌الاول یادآور تولد دو ستاره درخشان در آسمان نبوت و امامت است. روزی که در آن برترین آفریدگان خداوند از سلاله پاک و بطن نورانی متولد شدند.



به مناسبت ولادت صادق آل محمد (ص)

جام جم آنلاین: هفدهم ربیع‌الاول یادآور تولد دو ستاره درخشان در آسمان نبوت و امامت است. روزی که در آن برترین آفریدگان خداوند از سلاله پاک و بطن نورانی متولد شدند.

محمد، بهترین واژه آفرینش وقتی چشم به جهان گشود رویدادهای خارق‌العاده‌ای به وقوع پیوست که بر همگان آشکار شد که او جهان و باورهای آن را دگرگون خواهد ساخت و سال‌ها بعد، از نسل او، جعفر(ع) پا به عرصه گیتی نهاد که از همان ابتدا آثار بزرگی و نورانیت از چهره‌اش هویدا بود و چون رشد کرد و بالید آیین جدش را از کژی‌ها و تهدیدها رهانید و تضمین کرد.

از این‌رو نقش مهم و سترگ امام صادق بویژه در حفظ اسلام از کژی‌ها و تهدیدهای فرقه‌های خرافی و کفرآمیز زمان خودش در خور توجه بوده و به بیان دیگر می‌توان گفت امام صادق آیین و رسالتی آسمانی را که توسط جدش رسول‌الله پایه‌گذاری شد، تداوم بخشید. در این گفتار به بهانه تولد این دو گوهر تابناک، بررسی اجمالی از دوران امامت امام صادق(ع) داریم.

رهاننده آیین تشیع

امام حسین(ع) سنتی را در تاریخ اسلام و تشیع بنیان گذارد که بر مبنای آن حکومت فاسد و فاسق بنی‌امیه را رسوا کرد و در روزگار فرزندش امام صادق(ع) در شرایطی متفاوت، حکومت از این خاندان بدنام و بدکار به خاندانی دیگر به نام بنی‌عباس منتقل می‌شد که گذشت روزگار نشان داد در فسق و فجور، ستم، عوام‌فریبی و زدالت دست کمی از سلف خود بنی‌امیه ندارد.

به طوری که کم‌کم هر چه از عمر آن سپری می‌شد مردم چهره مزور و کریه آن را بیشتر می‌شناختند. از جنبه دینی و اعتقادی در مردم تنفر شدیدی نسبت به خاندان بنی‌عباس ایجاد شد و ظلم و ستم بی‌حساب آنها نیز از نظر اجتماعی در روحیه مردم احساسات منفی را رشد می‌داد به طوری که سرانجام در تبلیغات و جنبش‌های علویان در کوفه و خراسان و ممالک اسلامی بر ضد عباسیان تبلور یافت. این قیام‌ها چهره فاسد بنی‌عباس را برملا و برای مردم بیشتر آشکار کرد.

یکی دیگر از ویژگی‌های دوران امام صادق(ع)، پیدایش انقلابات و جریانات فکری و فرهنگی در سال‌های (148 - 114 هـ. ق) بود، اما بحث این است که اگر در عصر امام حسین(ع)، خلفای غاصب و فاسد بنی‌امیه با اسلحه کمر به نابودی اسلام بسته بودند، در دوران امام صادق(ع)، لبه تیز این جریانات فکری و فرهنگی و مدعیان دروغین، همانند زنادقه و تصوف به عنوان جریانات نوظهور، موجودیت اسلام ناب و تشیع را نشانه رفته بود و بنی‌عباس هم با زیرکی تمام و مودیان از این فرقه‌های گمراه‌کننده و کفرآمیز حمایت می‌کرد و به آنها اجازه نشر آموزه‌ها و افکارشان را می‌داد که عمدتاً ضد تشیع بودند و شخصیت امام را تخریب می‌نمودند.

در این راستا، امام با درک بالایی خود و احساس خطر، مکتبی را تاسیس کرد و دانشگاهی را برقرار ساخت که افزون بر 4000 شاگرد در آن به تحصیل و تعلیم مشغول بودند و دانشمندانی چون جابر بن حیان شیمیدان معروف، ابن هشام فیلسوف، انس بن مالک، ابوحنیفه و... را در خود پرورش داد.

مکتب و دانشگاه امام آنقدر پر بار و پر محتوی بود که شیعه دوازده امامی را «شیعه جعفری" نیز می‌نامند.

نکته: اگر در عصر امام حسین(ع)، خلفای غاصب و فاسد بنی‌امیه با اسلحه کمر به نابودی اسلام بسته بودند، در دوران امام صادق(ع)،

لبه تیز این جریان‌های فکری و فرهنگی و مدعیان دروغین، همانند زنداقه و تصوف انحرافی به عنوان جریان‌های نوظهور، موجودیت اسلام ناب و تشیع را نشانه رفته بود

امام با درایت تمام، نقشه ابومسلم و ابوسلمه، عبدالله بن محض و محمد زکیه را که دو فرد نخست در انتقال حکومت از بنی‌امیه به بنی‌عباس، نقش عمده‌ای داشتند، منتها پس از تغییر حکومت روش و عقیده خود را تغییر داده بودند و از امام خواستند خود را واپسین پیشوای شیعه بنامد و قیام کند، بر ملا کرد و نه تنها به خواسته آنها تن نداد و در برابر آنها ایستادگی کرد بلکه با تمام وجود از ظهور مهدی موعود فرزندش در موعد مقرر به عنوان آخرین امام دفاع کرد.

ابوسلمه به امام نامه نوشت و از ایشان درخواست کرد خود را مهدی موعود بخواند و با او که می‌خواهد خلافت را از بنی‌عباس گرفته و به امام بازگرداند، همصدا شود، امام پاسخ منفی داد و نامه او را در آتش سوزاند و اعلان داشت: هدفش امر به معروف و نهی از منکر و ادامه رسالت پیامبر(ص) و نیاکانش بوده تا آن را به صاحب‌الزمان مهدی فاطمه برسانند.

درواقع هدف این جریان‌های موزیانه و این مدعیان دروغین ضمن تخریب امام، همسو با خلفای بنی‌عباس، انحراف و خشکاندن ریشه اسلام و تشیع بود که امام با درایت و موقعیت‌سنجی خودش تمامی این نقشه‌ها را خنثی کرد و حتی در برابر عبدالله بن محض و پسرش محمد نفس زکیه که نسب او از جانب پدر و مادر به امام حسین می‌رسید، هوشمندانه ایستاد و خود را تسلیم آنان نکرد و فرمود: من مهدی امت نیستم. زمان ظهور آن حضرت مشخص است و در موعد مقرر خواهد آمد.

بنابراین مبارزه نظام سیاسی حاکم علیه اسلام در این زمان چهره عوض کرده بود و از جنگ مسلحانه عصر امام حسین(ع) به نبرد فکری و عقیدتی و تبلیغاتی تغییر چهره داده بود.

به عبارت دیگر امام در این جنگ فکری و عقیدتی برای رهایی اسلام ناب جدش رسول‌الله و تشیع همان کاری را انجام داد که امام حسین(ع) با شهادتش در کربلا به انجام رساند.

مبارزه فکری امام با جریان‌های انحرافی زمانش و تفسیرهای غلط از اسلام و مدعیان دروغین که کیان اسلام و تشیع را نشانه رفته بودند، آنقدر حساب شده و ریشه‌دار و خردمندانه بود که جملگی آن اندیشه‌ها و جریان‌های شیطانی و کفرآلود را نقش بر آب ساخت و اسلام را حیات دوباره بخشید.

قاسم آخته / جام‌جم